

مواضع و عملکرد دولت موقت در قبال تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی

حامد حبیبی
محمد کمیل مقدمی

چکیده

نقش دولت موقت به عنوان مجری پیگیری ایجاد قانون اساسی در کنار سایر وظایفی که بر آنان محول شده بود، از پرچالش‌ترین موضوعات دوران وظایف مسئولیت نه‌ماه آنان می‌باشد. از یک سو ادعاهای بی‌دلیل و مدرک و متناقض سران دولت موقت در تدوین پیش‌نویس قانون اساسی و از طرفی دیگر تغییرات متناسب با منافع غیر ملی و در چهارچوبی غیر از خواست عمومی مردم در شورای طرح‌های انقلاب زیر نظر دولت موقت، سیر تدوین پیش‌نویس قانون اساسی را لیبرال و مسیر تدوین آن را با کندی مواجه می‌نمود؛ از این رو، امام خمینی با مطالبه‌گری در جهت اظهار نظر نمودن عموم صاحب‌نظران پیرامون پیش‌نویس منتشر شده و در کنار آن با مخالفت در ایجاد مجلس مؤسسان، دسیسه کنار گذاردن اسلام و روحانیت را خنثی نمودند. اما چهره واقعی سران دولت موقت با کارشکنی در تشکیل مجلس خبرگان و بعدها توطئه انحلال و مخالفت با اصل ولایت فقیه، بر همگان روشن گردید و





ایستادگی امام خمینی در مقابل زیاده‌خواهی آنان تمام نقشه‌های آنان را بر هم ریخت که بزرگ‌ترین قاضی آن وقایع اسناد و مدارک به جا مانده‌ای است که می‌تواند نقش مهمی در قضاوت از کارنامه و عملکرد مسئولان دولت موقت در آن برهه تاریخ ایجاد نماید.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی، پیش‌نویس قانون اساسی، قانون اساسی جمهوری اسلامی، دولت موقت، مهدی بازرگان، نهضت آزادی

مقدمه

انقلاب اسلامی و در پی آن شکل‌گیری جمهوری اسلامی یکی از بزرگ‌ترین رویدادهای تاریخ معاصر به حساب می‌آید. با آغاز انقلاب آنچه بیش از همه در اولویت قرار گرفت تدوین قوانینی بود که در گام اول مطابقت با اهداف نظام جمهوری اسلامی داشته باشد. از این رو، گروه‌ها و جریانات مختلفی دست به کار شدند و با رویکردهای متعددی به گردآوری و اظهار نظر و نقد و بررسی حول آن پرداختند. در این بین بررسی عملکرد نهضت آزادی که اکثریت اعضای آن در جایگاه دولت موقت و مجریان اداره امور کشور در دوره انتقال محسوب می‌شدند، بسیار قابل توجه است. ما سعی نمودیم با اسناد و دلایل تاریخی و واکاوی وقایع بهمن ۵۷ تا آذر ۵۸ پیش از عملکرد دولت موقت در مواجهه با اولین میدان آزمون پس از پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران آشنا شویم.

در جریان تدوین قانون اساسی رئوس اجرایی کشور کسانی بودند با تفکراتی ناشی از نگاه عمدتاً ملی، مذهبی و لیبرالی همراه با رویکرد تعامل با غرب و روح تفکر اصلاح‌گام به گام، که مدعی برقراری قانون اساسی هم بودند. البته در این بین عده‌ای هم معتقد به برقراری هر چه سریع‌تر قوانین اسلامی بودند، ولی به بیان کلی باید خواست عموم جریانات را رسیدن به یک قانون اساسی ساختارمند دانست.^۱

مسئله این پژوهش تاریخی - تحلیلی می‌باشد لذا ما در این نوشتار سعی در نقل مستقیم خاطرات و قضاوت دیدگاه‌های مختلف داریم. عملکرد دولت موقت در قبال پیش‌نویس قانون اساسی تا زمان تشکیل مجلس خبرگان به عنوان نهادی که مستقیماً مورد فرمان و خطاب حضرت امام قرار گرفته است مورد توجه است.

۱. این تحلیل پیشینی است؛ بعدها عده‌ای در تحلیل‌های پسینی بیان کردند که در ابتدای انقلاب دو طیف شاگردان امام (مکتبی‌ها) و افراد لیبرال‌مسلك دو نگاه متفاوت نسبت به مقوله تدوین قانون اساسی داشتند. دسته اول (مکتبی‌ها) قائل به این بودند که ایران در خدمت اسلام باشد و دسته دوم (لیبرال‌ها) قائل به این بودند که اسلام در خدمت ایران باشد.

خصوصاً بعد از تصمیم نهایی مبنی بر کنار گذاشتن مجلس مؤسسان^۱ و جایگزینی مجلس خبرگان و حضور ۶۹ درصدی طیف روحانیت در مجلس خبرگان، اعضای دولت موقت با استناد به غیر قانونی بودن این مجلس سعی در انحلال آن داشتند و اساس رویکردشان به تعطیلی کشاندن این مجلس و کنار نهادن روحانیت بود که با الطاف الهی و درایت امام به بهترین وجه مدیریت شد. بعدها امام خمینی از این رویداد به عنوان توطئه انحلال مجلس خبرگان نام می‌برد: ... طرح آن که مجلس خبرگان منحل بشود، که در زمان دولت موقت این طرح مطرح شد و بعد هم معلوم شد که اساسش از امیر انتظام بود و آن مسائل، آن وقت آمدند پیش ما، همین آقای بازرگان و رفقاییش و گفتند ما خیال داریم که این مجلس را منحل کنیم، من گفتم شما چه کاره هستید اصلش که می‌خواهید این کار را بکنید؟ شما چه سمتی دارید که بخواهید مجلس خبرگان را منحل کنید؟ پاشید بروید سراغ کارتان. وقتی دیدند قضیه محکم است، کنار رفتند.^۲

اما در پس این کارشکنی‌ها مجلس خبرگان موفق به تصویب پیش‌نویسی می‌شود که در مجلس معتمدین مردم مورد بررسی قرار می‌گیرد،^۳ که با رأی قاطعانه ملت ایران در ۱۲ آذر ۵۸ فصل جدیدی در تاریخ انقلاب شکوهمندانه ملت ایران بوجود می‌آورد. مسئله این پژوهش توجه به عملکرد دولت موقت در یکی از کلیدی‌ترین مقاطع تاریخی انقلاب است زمانی که که گروه‌های مختلف هنوز پرده از صورت ندیده‌اند و ماهیت خود را برای همگان آشکار ننموده‌اند؛ علاوه بر آن، ادعاهای فراوانی که بعدها از زبان سردمداران مجری تدوین قانون اساسی (سران دولت موقت) منتشر می‌شود، همگی حکایت از آن دارد که بعضی از آنان با غرض مشخص خود را سوار بر قطار انقلاب کرده تا بتوانند با سهم‌خواهی و فشار به هدف خود که آن هم اسلامی منهای روحانیت باشد، برسند.

تاریخچه مسئله

به صورت کلی سوابق پژوهشی در خصوص موضوع «قانون اساسی» و «بررسی پیش‌نویس قانون اساسی» نسبتاً گسترده و قابل توجه است. در کنار این اثر می‌توان به برخی کتاب‌ها

۱. شرح ماوقع در صفحات پیش روی مقاله بیان شده است.

۲. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۲۶۵.

۳. تمام تلاش نهضت آزادی و جبهه ملی این بود که پیش‌نویس منظور نظر خود را بدون لحاظ مجلس خبرگان به تصویب برسانند. از این رو، با دسیسه‌های مختلف سعی در برهم زدن اصل مجلس خبرگان داشتند. (در این باره رک: سهراب مقدمی شهیدانی و محمدجواد فرح‌نژاد، «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ پیشینه و سیر تدوین»، پانزده خرداد، دوره سوم، ش ۱۴، ش ۵۲، تابستان ۱۳۹۶)





نهضت آزادی در اواخر حکومت پهلوی با تمام توان در صدد بود از سقوط پهلوی جلوگیری کند؛ چنانچه بازرگان روی کار آمدن شریف امامی را یک مائده الهی بر شمرد

و مقالات ذیل مراجعه نمود.

مراجعه به آثار پژوهشی حول موضوع «قانون اساسی» و «بررسی پیش نویس قانون اساسی» ابعاد گوناگونی از زوایای مباحث مربوط به آن را بیان می کند که در نوع خود

گسترده و قابل توجه است منابعی همچون کتاب «نهضت امام خمینی (ره)» (سید حمید روحانی) دفتر چهارم صفحات ۱۲۷ تا ۱۲۹ که پیشینه مباحث مربوط به اولین پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۴ در آن بیان شده است و همچنین طرح عنوان اینکه امام (ره) از طرح جمهوری اسلامی و قانون اساسی سال ۱۳۵۴ آگاهی داشته است.

«پیش نویس قانون اساسی ج.ا.ایران و منازعات گفتمان های فقهی - سیاسی» (محمد مهدی باباپور)، ۱۳۸۸ که وی در نوشتارش ضمن تبیین مراحل مختلف پیش نویس قانون اساسی به نزاع های درون گفتمانی می پردازد و آن را تحلیل و بررسی می نماید.

«قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ پیشینه و سیر تدوین» (سهراب مقدمی شهیدانی - محمد جواد فرج نژاد ابرقویی)، ۱۳۹۶ که این نوشتار ضمن بازخوانی سیر تاریخی «تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی»، عملکردها و مواضع جریان ها و شخصیت های سیاسی - مذهبی مختلف را در قبال این ماجرا روشن می سازد.

پیش نویس قانون اساسی چگونه نوشته شد؟

با پیروزی انقلاب اسلامی چهارچوب نظام نوینی در دستور کار سران نظام قرار گرفت؛ از این رو، امام در حکم مهندس بازرگان نخست وزیر دولت موقت بر «تشکیل مجلس مؤسسان و انتخاب مجلس نمایندگان ملت بر طبق قانون اساسی جدید^۱ تأکید می ورزند.

پیش از این نیز امام خمینی بارها از لزوم تغییر و تدوین قانون اساسی که مطابق با شرع و احکام اسلامی باشد سخن به میان آوردند؛ ابتدا در عراق در ۵۷/۲/۱۶ در مصاحبه با خبرنگار روزنامه فرانسوی/لوموند از لزوم اصلاح قوانین سخن گفتند: «قوانین اساسی و متمم آن (۱۳۲۴) ۱۹۰۶ به شرط آن که مورد اصلاح قرار گیرد، می تواند بنای دولت و حکومتی باشد که ما توصیه می کنیم.»^۲ سپس در ۵۷/۱۰/۱۸ در فرانسه در مصاحبه با خبرنگار انگلیسی روزنامه فایننشال تایم از لزوم

۱. صحیفه امام، ج ۶، ص ۵۵.

۲. همان، ج ۲، ص ۴۳.

تدوین قانون اساسی سخن می گویند:

قانون اساسی باید مطالعه بشود، بعضی از چیزهایش که مخالف اسلام است باید کنار گذاشته شود... اصولاً قانون جدیدی باید تدوین کنیم... اکنون مشغول تهیه قانون اساسی جدیدی می باشیم.

در همان روز ایشان در مصاحبه با خبرنگار مجله/کونومیست می گویند:

... پس از سقوط شاه، نمایندگان ملت در مجلس، مراحل قانونی آن را انجام خواهند داد و قانون اساسی این جمهوری (اسلامی) را تدوین و تکمیل خواهند کرد.

و نمونه‌های فراوان دیگر که امام تصریح به کنار گذاشتن قانون اساسی سلطنتی دارند و بر لزوم تدوین قانونی اسلامی تأکید می نمایند.

... قانون اساسی که رژیم ایران را سلطنتی می شناسد، چون از نظر ملت رژیم سلطنتی مردود است، از اعتبار ساقط است و باید قانون اساسی جدیدی تدوین شود.^۱

در این میان، عده‌ای بر این بودند تا با حفظ همان قانون اساسی بر اصول کلی آن تأکید ورزند؛ از جمله^۲ نهضت آزادی تاروهای پیروزی انقلاب، از قانون اساسی و سلطنت حمایت می کرد. بازرگان در ۵۷/۳/۹ در دیدار با مأمور سفارت امریکا چنین می گوید:

نهضت آزادی به قانون اساسی معتقد است. اگر شاه حاضر باشد که تمام مواد قانون اساسی را به اجرا در آورد، ما آماده‌ایم تا سلطنت را بپذیریم.^۳

سیاست گام به گام بازرگان نیز در همین راستا بود؛ نهضت آزادی در اواخر حکومت پهلوی با تمام توان در صدد بود از سقوط پهلوی جلوگیری کند؛ چنانچه بازرگان روی کار آمدن شریف امامی را یک مائده الهی بر شمرد و رهسپار پاریس شد و با امام دیدار کرد و از او خواست از این موقعیت استفاده کند.^۴

۱. همان، ج ۴، ص ۱۱۳.

۲. یکی از کسانی اظهاراتش کاملاً مخالف جریان عمومی نیروهای انقلابی بود آیت‌الله شریعتمداری بود. وی با تبیین چهارچوب‌های اصلی تدوین قانون اساسی در این باره می گوید: «پس از پیروزی انقلاب و موقعی که بحث قانون اساسی جدید... مطرح بود و در همان ایام ما این نظر را دادیم که بهتر است قانون اساسی قبلی (قانون اساسی مشروطیت) محفوظ بماند و فقط مواد مربوط به رژیم سلطنتی از آن حذف شود و به جای آن مواد مربوط به جمهوری اسلامی جایگزین گردد... در این صورت قهراً هم زحمت کمتر می شود... موجب گلايه و رنجیدگی و احیاناً بهانه‌جویی و تشنج نمی شود.» (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۲، ص ۳)

۳. اسنادلانه جاسوسی، تهران، صابرین، ۱۳۶۶، ج ۲۳، ص ۱۸.

۴. حضرت امام ماجرا را این گونه نقل می کند: «پیش تر که در پاریس بودم، بعضی آمدند پیشنهاد کردند به این که خوب است قدم به قدم جلو برویم و حالا شاه را نگهش داریم و سلطنت بکند و حکومت نکند و بعدش ما مجلس درست کنیم و بعدش چه کنیم.» صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۲۴۱.





اشخاص عمدتاً منتسب به نهضت آزادی که اصل تنظیم پیش‌نویس را بی‌هیچ دلیلی به نفع خود مصادره می‌نمایند، این‌گونه می‌پندارند که اولین چهارچوب قانون اساسی از سوی آنان ارایه گردیده و بعدها توسط روحانیت مصادره شده است. غافل از آن که نخستین پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۴ توسط عده‌ای از فضلای حوزه علمیه قم مکتوب شده است

به هر ترتیب آنچه مسلم است، امام خمینی به دنبال قانون اساسی متناسب با جمهوری اسلامی بودند و اشتباهی که بعضی از تاریخ‌نویسان متأخر در آثارشان مرتکب شده‌اند مبنی بر اینکه «بررسی سخنان امام خمینی در این دوران نشان می‌دهد که ایشان به طور مطلق با قانون اساسی مشروطیت مخالف نبودند؛ چون این قانون به طور کامل با اصول اسلام

مغایرت نداشت. به نظر ایشان (امام) «قانون اساسی مشروطه اصول مغفول عنهی داشت که موافق اسلام بود و در رژیم پهلوی به آن عمل نمی‌شد اما امکان اجرای آن بود»، اما به نظر می‌رسید امام صلاح نمی‌دیدند که انقلاب با نام اسلام به پایان برسد و جمهوری اسلامی اعلام شود ولی هنوز به قانون اساسی مشروطیت اکتفا گردد. از طرفی قانون اساسی مشروطیت پاسخگوی همه نیازهای یک حکومت جدید نبود، بنابراین تدوین قانون اساسی نوین امری ضروری تلقی می‌شد»^۱ با تأملاتی جدی روبه‌رو است. اولاً؛ اساساً امام خمینی بارها در غالب ادبیات حقوقی، ناکارآمدی قانون اساسی موجود را تصریح کرده بود.^۲ همچنین ایشان در تمسک به قانون اساسی روبه جدلی داشت؛ کما اینکه ایشان خودشان هم اشاره داشتند (مالنا والقانون)^۳ و تأکید بر اسلامی بودن قوانین داشتند. از طرفی کلام ایشان ناظر به ظلم طاغوت در اجرا نکردن قوانین اسلام بود، نه اینکه نظام آتی برنام‌اش متناسب با قانون مشروطه باشد. ایشان تقریباً از آذرماه ۱۳۵۷ وارد مرحله‌ای جدید شد و در اوایل دی‌ماه ۱۳۵۷ نظر ایشان به صورت نفی کامل قانون اساسی مشروطیت نمودار شد و در مورد تدوین قانون اساسی جدید بر مبنای قوانین اسلام فرمودند: «این جمهوری بر یک قانون اساسی‌ای

۱. یحیی فوزی، تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران، تهران، عروج، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۴۶.

۲. بحث جلسه اول درس حکومت اسلامی امام در بهمن ۱۳۴۸ در نجف اشرف، به بیان فرق حکومت اسلامی با سایر حکومت‌ها اختصاص یافته و در آن بحث به این نکته اشاره شده است که حکومت اسلامی نوع خاصی از حکومت مشروطه است؛ یعنی مشروط به قوانین اسلام؛ بدین جهت از نظر امام خمینی وظیفه قوه مقننه و مجالس قانون‌گذاری، در واقع برنامه‌ریزی برای وزارتخانه‌های مختلف و تشکیل حکومت در محدوده احکام اسلامی است، نه قانون‌گذاری مصطلح در سایر حکومت‌ها. (رک: سید روح‌الله خمینی، ولایت فقیه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۴، ص ۷-۲)

۳. سید حمید روحانی، نهضت امام خمینی (ره)، تهران، بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی، چاپ نوزدهم، ج ۱، ص ۱۸۷؛ سخنرانی تاریخی امام خمینی در تاریخ ۴ رجب ۱۳۸۲ مطابق ۱۱ آذر ۱۳۴۲.

متکی است که قانون اسلام است.»^۱ ایشان در انتهای آذرماه فرمودند: «چون از نظر ملت رژیم سلطنتی مردود است و از اعتبار ساقط است، باید قانون اساسی جدیدی تدوین شود.»^۲ ثانیاً؛ خود امام در روز اعطای حکم مهندس بازرگان به نخست‌وزیری در پاسخ به خبرنگاران، اجرای قانون اساسی مشروطه را تا زمان تصویب و تدوین قانون اساسی منقضی می‌دانند.^۳ در حالی که می‌توانستند به شورایی دستور دهند تا اصلاحاتی درباره قانون مشروطه انجام دهند و آن را اسلامی کنند که این کار متناسب‌تر با شرایط زمانی محدود آن دوره می‌بود. ثالثاً؛ انتظار می‌رود کسانی که موافقت امام بر حفظ قانون مشروطه را مدعی هستند مستمسکی بر ادعای خود بیاورند.

این نوشتار بر آن است که به چگونگی تدوین پیش‌نویس قانون اساسی و ادعاهای مختلف نقل‌شده آن پردازد؛ از این رو ادعاهای افراد مختلف بدون هیچ‌گونه دخل و تصرفی بیان می‌گردد.

دکتر حبیبی

از اولین کسانی که نام او را در زمره تهیه‌کنندگان پیش‌نویس قانون اساسی می‌برند دکتر حسن حبیبی است. او در این باره می‌گوید:

... با توجه به کوشش‌هایی که در مورد تطبیق امامت با حقوق اساسی جدید کرده بودم، اقدام به تهیه یادداشت‌هایی کردم که در آن زمان ما می‌گفتیم یادداشت و حال می‌گویند پیش‌نویس و البته فرصت بزرگی که پیش آمده بود، امکان دسترسی به امام و کسب فتاوی‌ای حقوقی ایشان بود. به این ترتیب مسائلی که برای من مبهم بود و یا لازم بود که از امام اخذ شود از ایشان سؤال می‌کردم... بالأخره این یادداشت‌ها در آخر بهمن (اشتباه لفظی بوده، منظور آخر دی است) آماده شد. بعد از اینکه یادداشت‌ها حاضر شد، با یکی از آقایان اهل علم که در آنجا بودند دو شب نشستیم و این قانون را از نظر شرعی و فقهی مورد بررسی قرار دادیم... به هر صورت در روز دوشنبه دوم بهمن‌ماه این پیش‌نویس را تقدیم امام کردم و این بدین علت بود که در روز پنجشنبه همان هفته قرار بود به ایران بیایم و قرار بود هیئتی روز سه‌شنبه به ایران بیایند. نظر امام این بود که متن پیش‌نویس را این گروه با

۱. صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۷۹.

۲. همان، ج ۵، ص ۳۴۶.

۳. همان، ص ۲۷.





خود به تهران ببرد تا در آنجا مورد بررسی عده‌ای از فقها قرار بگیرد.^۱ به روایت حبیبی به علت بسته بودن فرودگاه‌ها، امام پیش‌نویس را به وی پس دادند و گفتند شاید در نزد من گم شود...^۲ از این رو، به ناچار پیش‌نویس به خبرنگارانی داده شد که قرار بود با هواپیمایی دیگر به تهران بیایند. حبیبی هم شرط حیات را شرط پس گرفتن می‌کنند و اگر هر رخدادی دیگر صورت گرفت شرط می‌شود که دوستان حبیبی پیش‌نویس را از خبرنگاران خواهند گرفت... و به این طریق پیش‌نویس به تهران رسید! ایشان می‌گویند:

در تهران متوجه شدیم که دو گروه دیگر نیز اقدام به تهیه پیش‌نویس کرده‌اند... بعد با همکاری دوستان مجدداً به بررسی پیش‌نویس پرداختیم. اصلاحات مهمی به کمک آنها در متن پیش‌نویس داده شد. از جمله این دوستان آقای صدر حاج سید جوادی، دکتر کاتوزیان، دکتر جعفر لنگرودی استادان دانشکده حقوق و دکتر لاهیجی و آقای میناچی هم شرکت داشتند. اولین جلسه مشترک در ۱۹ بهمن تشکیل شد... جلسات مستمر ما از ۲۳ بهمن شروع شد و پیش‌نویس در هفتم اسفند به خدمت امام تقدیم شد و در دهم اسفند متن را به قم خدمت علما فرستادیم و نظریات آنها را با متن تلفیق کردیم و در ۲۴ اسفند متن نهایی تقدیم امام شد...^۳

فاطمه طباطبایی عروس امام خمینی در خاطرات خود نقل می‌کند که امام خمینی در نوفل‌لوشاتو تقریباً محرمانه از پدر وی سید محمدباقر سلطانی طباطبایی خواسته بود که به حبیبی در تدوین پیش‌نویس قانون اساسی در حوزه‌هایی که مربوط به مسائل فقهی بود کمک کند. حبیبی نیز هر بخشی را که تنظیم می‌نمود در اختیار امام خمینی قرار می‌داد و امام خمینی نیز نظریات اصلاحی خود را در گوشه آن می‌نوشت. وی اضافه نموده است که دست‌نوشته‌های امام خمینی نزد حبیبی محفوظ است.^۴ نقل قول صادق طباطبایی سخنگوی دولت موقت از ماجرای تدوین پیش‌نویس، متناقض با نقل حبیبی و خواهرش می‌باشد. او

۱. کیهان، ۱۳۵۸/۶/۱۱، ش ۱۰۷۹۷.

۲. اینجا جای بسی تأمل دارد که چگونه می‌شود که این پیش‌نویس همان پیش‌نویس نهایی قانون اساسی باشد و امام (ره) نسبت به آن این گونه برخورد می‌نمایند که ممکن است نزدشان گم شود!!! در ضمن مرحوم حبیبی هیچ‌گاه ادعا نکرد نماینده امام در تدوین پیش‌نویس قانون اساسی بوده است، بلکه همگان به نقش وی در تدوین پیش‌نویس قانون اساسی اذعان دارند و بس.

۳. کیهان، همان.

۴. فاطمه طباطبایی، *اقلیم خاطرات*، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۵۱۳. عجیب اینجاست که مرحوم حبیبی یا خانواده‌شان تاکنون چنین یادداشت‌هایی را نه ادعا و نه منتشر نموده‌اند.

در یک تحلیل کلی پیرامون نخستین پیش نویس، باید آن را تلفیقی از قانون اساسی مشروطه ایران و اندیشه جمهوری خواهی غرب‌گرایانه و آمیزه‌هایی از اندیشه نوگرایانه اسلامی دانست

در کتاب خاطرات خود مطالبی در باب نقش خود در تدوین پیش‌نویس بیان می‌کند. از جمله این که به همراه دکتر حبیبی در تدوین قانون اساسی نقش داشته و او توسط یک خبرنگار آلمانی متن پیش‌نویس را به ایران آورده است که شواهدی برای اثبات آن وجود ندارد.^۱

دکتر ناصر کاتوزیان

دکتر کاتوزیان از حقوق‌دانانی که از او به عنوان یکی از تدوین‌کنندگان پیش‌نویس قانون اساسی یاد می‌کنند، معتقد است که اساساً امام طبق قول و قرارهایی در پاریس مسئولیت تدوین را بر عهده اعضای نهضت آزادی قرار دادند. او ماجرا را به گونه‌ای دیگر نقل می‌کند: از عده‌ای حدود ۵۰-۴۰ نفر دعوت کردند که در منزل آقای «صدر حاج سید جوادی» که بعدها وزیر دادگستری دولت موقت شد، گرد هم در آیند. صدر حاج سید جوادی در آن جلسه گفت: به هر حال روزی امام خواهد آمد و ما باید آمادگی داشته باشیم. دست روی دست گذاشتن درست نیست، باید قانون داشته باشیم.

آن گردهمایی تا چند جلسه دیگر هم ادامه یافت، ولی اختلاف نظرها در آن گروه بسیار زیاد بود... به همین جهت آقای حبیبی به عنوان نماینده امام از اروپا به تهران آمد و گفت امام گفته‌اند یک عده محدودی که مسلمان و هم آگاه به مسائل روز و انقلابی باشند، انتخاب کنید و از آنان برای نوشتن پیش‌نویس قانون اساسی استفاده شود.

خود دکتر حبیبی نیز ترجمه‌ای از قانون اساسی فرانسه را تهیه کرده بود. بنابراین اولین پیش‌نویس قانون اساسی در هیئتی تصویب شد که اعضای آن عبارت بودند از: دکتر حبیبی، دکتر جعفری لنگرودی، مرحوم فضل‌الله بنی‌صدر، آقای لاهیجی، آقای میناچی و خود من... از آن جمع چهار نفری،

۱. صادق طباطبایی، *خاطرات سیاسی-اجتماعی دکتر صادق طباطبایی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۳۱. بعدها طباطبایی در مستندی پیرامون زندگی خود مدعی می‌شود که پاکت حاوی پیش‌نویس را به شولاتر داده و از آن هم فیلمبرداری شده. از قضا در مصاحبه با شولاتر او هم ادعای طباطبایی را می‌پذیرد ولی آنچه مورد سؤال است محتویات درون پاکت است که هیچ کجا معلوم نشد آیا واقعاً درون آن متن پیش‌نویس بوده یا خیر؟ از طرفی حبیبی می‌گوید پیش‌نویس نزد وی بوده، چگونه این پیش‌نویس در دست صادق طباطبایی سر بیرون می‌آورد. (آنقدر نقل طباطبایی با اشکالاتی مواجه است که بررسی نقل مخدوش وی در این مجال نمی‌گنجد).





بنده مسئول نوشتن اصول پیش نویس شدم... در طول دو یا سه ماه توانستیم کار را تمام کنیم... بالأخره ۱۵۰ اصل نوشتیم.

در آن زمان امام به تهران آمده بود و دکتر حبیبی از امام وقت گرفتند. روزی بود که نیروی هوایی نیز به دیدار امام آمده بودند...^۱ امام در آن جلسه گفتند طرح شما مدتی پیش من بماند تا مطالعه کنم...^۲

به هر حال کاتوزیان می گوید حتی امام نسبت به طرح ما نظر مثبت داشت و فقط تأکید داشتند نظر علمای قم را هم جویا شویم.^۳

ابراهیم یزدی

از دیگر افرادی که مدعی است نقشی در تدوین پیش نویس داشته، وزیر خارجه دولت موقت یعنی ابراهیم یزدی است. او می گوید:

... در هیچ انقلابی سابقه ندارد که قبل از پیروزی انقلاب به فکر تهیه و تنظیم قانون اساسی جدید باشند... برای حل این مشکل... تدوین قانون اساسی جدیدی را که بتواند پایه و اساس مدیریت سیاسی مملکت باشد بی گیری می کردیم.

برای این کار، بعد از مذاکرات مقدماتی با آقای دکتر حبیبی، پیشنهادی به آقای خمینی داده شد... دکتر حبیبی... هر قسمت هم که آماده می شد آن را برای مرور و اظهار نظر تقدیم آقای خمینی می کرد و آقای خمینی نظراتشان را به او می گفتند. به عبارت دیگر کار تهیه پیش نویس از جمله اموری بود که شخصاً زیر نظر آقای خمینی انجام می گرفت.^۴

۱. پر واضح است که اینجا نقل کاتوزیان در ذکر تاریخ با اشکالاتی مواجه است. به این دلیل که ادعای فعالیت چند هفته‌ای بر روی پیش نویسی که حبیبی با خود به تهران آورده و تاریخ ۱۹ بهمن که همافران نیروی هوایی به دیدار امام آمدند با هم تناسب ندارد.

۲. ناصر کاتوزیان، «گذری بر تدوین اولین پیش نویس قانون اساسی»، حقوق اساسی، س ۱، ش ۱، ۱۳۸۲، ص ۱۲۶-۱۲۵.

۳. اولاً کاتوزیان هیچ گاه به تاریخی که از طرف حاج سید جوادی فرا خوانده می شود اشاره نمی کند؛ ثانیاً بر فرض فرا خوانده شدن و تدوین باور نکردنی پیش نویس (بنابراین ادعا که متن دکتر حبیبی کنار گذارده شد) در آن مدت کوتاه چند روزه، ایشان نظر مثبت امام را از کجا استنباط نموده اند؟ آیا برای این ادعا مدرکی وجود دارد؟

۴. ابراهیم یزدی، شصت سال صبوری و شکوری؛ خاطرات دکتر ابراهیم یزدی، نسخه اینترنتی، ج ۳، ص ۲۰۴-۲۰۳.

۵. آیا ابراهیم یزدی برای این ادعای خود که وی اولین فردی بوده که پیشنهاد تدوین قانون اساسی را داده است مدرکی دارد؟ آیا مدرکی بر ادعای مذاکره با دکتر حبیبی درباره تدوین پیش نویس وجود دارد؟ اگر کار تدوین در فرانسه زیر نظر امام انجام می گرفت پس چرا طبق نظر سایرین متن اولین بار به امام در ایران نشان داده شده بود؟

هاشم صباغیان

بعضی از چهره‌های دیگر نهضت آزادی نظیر صباغیان وزیر کشور دولت موقت نیز از مدعیان داشتن نقش در تدوین پیش‌نویس قانون اساسی هستند. او می‌گوید:

قبل از آن که اساساً بحث تدوین قانون اساسی تازه باشد، من از جمعی از حقوق‌دانان دعوت کردم و از میان افرادی که شرکت کردند... تعدادی انتخاب و مشغول به کار شدند؛ چرا که ضرورت آن را تشخیص داده بودیم. در آن وقت، هنوز دستوری از امام نرسیده بود. پس از مدتی کار (سه یا چهار جلسه) اطلاع یافتیم که متنی هم در پاریس تهیه شده است. با شرکت یکی از تدوین‌کنندگان آن، جلسات مشترکی ترتیب دادیم و در همین وقت، از امام دستور رسید و گروهی مأموریت مشخصی در این زمینه یافتند. در این گروه هفت نفر شرکت داشتند. پس از تشکیل انقلاب، گروه به کار خود ادامه داد و متن قانون تهیه شده هم اکنون در اختیار امام است.^۱

صدر حاج سیدجوادی

سیدجوادی که خود وزیر کشور و دادگستری دولت موقت بوده است، در مصاحبه خود این‌گونه نقل می‌کند:

در اوایل تابستان ۱۳۵۷ به این نتیجه رسیدیم... بهتر است برای اینکه غافلگیر نشویم و تکلیف حکومت از ابتدا روشن باشد از حالا در فکر تهیه یک طرح قانون اساسی باشیم که با جلب نظر متخصصان امر منقح و منظم و آماده برای ارایه به مردم گردد.

جلسه اول برای طرح و تهیه قانون، ترکیبی از آقای دکتر لاهیجی و دکتر ناصر میناچی و فتح‌الله بنی‌صدر و اینجانب در منزل من تشکیل و شروع به بحث و تبادل نظر کردیم و به طرز تهیه پیش‌نویس و مبنا قرار دادن قانون اساسی مشروطه با توجه به قوانین اساسی بعضی از دول خارج پرداختیم. ... این طرح به دستور حضرت امام خمینی به آقای دکتر حبیبی تحویل شد زیرا فرمودند که در هنگام اقامت در پاریس از آقای حبیبی خواسته بودند که پیش‌نویس یک قانون اساسی برای دولت جمهوری تهیه کنند و ایشان هم تهیه کرده بود. بعد حضرت امام از ما پرسیدند که شنیده‌اند ما

۱. کیهان، ش ۱۰۶۵۲، ۱۳/۱۲/۱۳۵۷، ص ۳.

۲. از صباغیان در هیچ نقلی غیر از ادعایی که خودش نموده است، نامی برده نشده است. حال او چگونه و کجا و چه کسانی را در تهیه پیش‌نویس فراخوانده است مشخص نمی‌باشد.





هم یک طرحی در این مورد تهیه کرده‌ایم. فرمودند شما آن طرح خود را به آقای دکتر حسن حبیبی بدهید و آقای حبیبی هم گویا تلفیقی به عمل آورده و پیش‌نویس را به مرحوم آقای سبحانی که وزیر مشاور در طرح‌ها و مسائل انقلاب بودند دادند.^۱ و^۲

بررسی ادعاها

آن چه در پس پرده این رویداد تاریخی نهفته است، ذکر یک ادعای بی‌سندی است که هر کسی خود را قهرمان این میدان دانسته و به ذکر چند مؤید بسنده نموده است.^۳ از این رو مادر قضاوت این ادعاها می‌گوییم: اولاً؛ اختلاف اقوال و تشتت آراء خود می‌تواند اصل ادعا را زیر سؤال ببرد و در بیان یک ادعا طبعاً باید دلایل متقن و یقینی موجود باشد که اینجا موجود نمی‌باشد.

ثانیاً؛ تحریف سخنان و تبیین غلط مواضع امام اتفاقی است که بارها حتی در زمان حیات ایشان رخ می‌داده است، از این رو ایشان در وصیت‌نامه سیاسی، الهی خود فرمودند:

اکنون که من حاضرم، بعض نسبت‌های بی‌واقعیت به من داده می‌شود و ممکن است که پس از من در حجم آن افزوده شود؛ لهذا عرض می‌کنم آنچه به من نسبت داده شد یا می‌شود مورد تصدیق نیست مگر آنکه صدای من یا خط و امضای من باشد، با تصدیق کارشناسان؛ یا در سیمای جمهوری اسلامی چیزی گفته باشم.^۴

از طرفی هیچ‌گونه ملاکی بر برتری شخص یا جریانی به صورت دائم نسبت به امام وجود ندارد؛ کما اینکه خودشان می‌فرمایند:

۱. نامه، ۱۳۸۲، ش ۲۳، ص ۲۲.

۲. گفتار حاج سید جوادی دقیقاً نقطه مقابل کاتوزیان است؛ پس یا وی دروغ می‌گوید یا کاتوزیان. از سوی دیگر اگر حضرات به متنی دست یافته‌اند چرا هیچ متنی وجود ندارد که گواهی در تاریخ باشد؟ آیا می‌توان به صرف ادعای هر کس در تدوین پیش‌نویس اعتنا نمود؟

۳. سید حمید روحانی که خود از شاگردان و تاریخ‌نگاران نهضت امام خمینی (ره) است، در ذیل بررسی این بخش از مقاله می‌گوید: «اصولاً دنیاطلبان و از خدا بی‌خبران همواره تلاش دارند در هر موردی و در هر جریانی خود را قهرمان، مبتکر و کارگردان ماجرا بنمایانند. از آغاز نهضت امام می‌بینیم مدعیانی خود را متولی امور نهضت امام می‌دانند. مهدی عراقی پیرامون اعلامیه «شاه‌دوستی یعنی غارتگری» می‌گوید: من به امام گفتم الان وقت آن است که شخص شاه را مورد حمله قرار دهید. نیز او و آقای هاشمی رفسنجانی هر کدام مدعی‌اند که من صورت جلسه مجلس شورای ملی پیرامون کاپیتولاسیون را به امام رساندم. آقای بنی‌صدر و جلال‌الدین فارسی هر یک مدعی‌اند که من امام را به درس حکومت اسلامی واداشتم. ابراهیم یزدی هم می‌گوید من به امام سفر به پاریس را پیشنهاد دادم. من عنوان جمهوری اسلامی را به زبان امام گذاشتم. «و هلم چرا»»

۴. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۰۶.

من در طول مدت نهضت و انقلاب به واسطه سالوسی و اسلام‌نمایی بعضی افراد، ذکری از آنان کرده و تمجید نموده‌ام که بعد فهمیدم از دغل‌بازی آنان اغفال شده‌ام. آن تمجیدها در حالی بود که خود را به جمهوری اسلامی متعهد و وفادار می‌نمایاندند و نباید از آن مسائل سوءاستفاده شود و میزان در هر کس حال فعلی اوست.^۱

ثالثاً؛ آنچه نقص بزرگ در نقل این روایات است جای خالی خود دگر حیبی است که ظاهراً هیچ‌گاه جزئیات این موضوع از سوی ایشان بیان نشده است.^۲ با این حال نقش غیر قابل انکار دکتر حیبی در تهیه پیش‌نویس به عنوان یک فرآیند علمی مورد توجه است. رابعاً؛ همانطور که جناب دکتر حیبی اذعان دارد هیچ‌گاه به طور رسمی یا به دستور مستقیم امام این وظیفه بر عهده ایشان نبوده است بلکه صرفاً کوشش کارشناسانه در راستای خدمت به انقلاب محسوب می‌شده و از این رو بوده که امام این کار را مورد تشویق خود قرار داده‌اند و جلسات تهران نیز طبق نقل صریح وی هیچ‌گاه با حکم و دستور و هماهنگی حضرت امام نبوده است. او همچنین در گفت‌وگویی در ۲۹ دی‌ماه ۵۸ به رغم استعفانامه از نهضت آزادی می‌گوید: «من هیچ‌گاه عضو نهضت آزادی نبودم».^۳

خامساً؛ آنچه امام در مصاحبه ۱۸ دی ۵۷ به خبرنگار فایننشال تایم^۴ می‌گویند: «ما اکنون مشغول تهیه قانون اساسی هستیم»،^۵ نمی‌رساند که به شخص یا گروه خاصی مأموریت به خصوصی را سپرده باشند؛ چه بسا ایشان از گروه‌ها و اشخاص متعددی از باب مشاوره چنین چیزی را مطالبه کرده باشند. از سوی دیگر ایشان بر این مبنا بودند که اصل کار تدوین را باید یک مجلسی از سوی مردم با حضور اشخاص فاضل، امین و متدین بر عهده بگیرند.^۶

جمع‌بندی

بی‌شک امام به عنوان رهبر نهضت این حق را برای خود قائل است که از نظریات و مشورت‌های دیگر جریان‌های متعدد برخوردار باشد.^۷ از طرفی جریان نهضت از ابتدا

۱. همان.

۲. محمدرضا ادیب، روزنامه/ایران، ۱۲/۱۲/۱۳۹۶، ش ۶۴۲۲، ص ۱۸.

۳. محمدجواد مظفر، اولین رئیس‌جمهور، تهران، کویر، ۱۳۷۸، ص ۱۹۴؛ «حیبی با این ادعا زمینه هر گونه سوءاستفاده سیاسی و مصادره پیش‌نویس قانون اساسی توسط نهضت آزادی را از بین می‌برد.»

4. *Financial times*

۵. صحیفه امام، ج ۴، ص ۱۶۰.

۶. همان، ج ۵، ص ۲۴۳.

۷. علیرضا بهشتی از قول پدرش شهید بهشتی نقل می‌کند: «گروه‌های مختلف و اشخاص گوناگون در خارج و داخل کشور به تهیه پیش‌نویس اهتمام ورزیدند. بنابر این صحیح‌تر است از پیش‌نویس‌های قانون اساسی سخن گفته شود و نه یک پیش‌نویس. البته بعداً نسبت به جمع‌بندی این دیدگاه‌های مختلف اقدام گردید...» («پرسش و پاسخ با آقایان منتظری، سبحانی، صدر حاج سیدجوادی، بهشتی»، نامه، مهر ۱۳۸۲، ش ۲۶، ص ۲۲)





منسجم و سازمان یافته نبود و خود امام هم با گروه‌های متعدد در تماس بودند؛ تدوین پیش‌نویس هم مستثنی از این قضیه نبود، بلکه بالاتر از حق، سیره سیاسی امام هم این‌گونه بود. لذا دکتر حبیبی به عنوان پیش‌تاز حرکت تدوین از پیش‌نویس به یادداشت‌های علمی خود تعبیر می‌کند؛ پر واضح است یک جریان عظیمی به نام انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی باید از بخش نظری و تئوری قوی برخوردار باشد تا دچار بحران نشود.

از سویی در این بین بعضی اشخاص عمدتاً منتسب به نهضت آزادی که اصل تنظیم پیش‌نویس را بی‌هیچ دلیلی به نفع خود مصادره می‌نمایند، این‌گونه می‌پندارند که اولین چهارچوب قانون اساسی از سوی آنان ارایه گردیده و بعدها توسط روحانیت مصادره شده است. غافل از آن که نخستین پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۴ توسط عده‌ای از فضلاء حوزه علمیه قم مکتوب شده است.^۱

سرنوشت پیش‌نویس قانون اساسی از تنظیم آن تا آغاز مجلس خبرگان

پس از مراجعت امام به ایران فکر تدوین پیش‌نویس جدی‌تر دنبال شد. کاتوزیان می‌گوید:

طرح قانون اساسی با توصیه‌های امام ظرف یک ماه تهیه شده و در قم تقدیم امام خمینی شد. (البته ظاهراً در اعلام تاریخ اشتباه می‌کند. چون حبیبی دیدار با امام را ۹ اسفند ذکر می‌کند).^۲

به هر ترتیب متن پیش‌نویس در تاریخ ۱۰ اسفندماه به توصیه امام برای علما در قم فرستاده شد^۳ و در ۲۴ اسفند متن نهایی حاصل از تلفیق نظرات علما توسط همان جمع به امام داده شد. البته به گفته کاتوزیان به بهانه قابلیت اجرا نداشتن، بسیاری از آن اظهار نظرها اعمال نشد. از سوی دیگر حبیبی می‌گوید: «روز ۲۷ اسفند یک نسخه از این متن (جمع‌بندی شده) را به آقای صدر دادم و ایشان به هیئت دولت داد و در شورای مربوطه

۱. برای مطالعه بیشتر رک: سهراب مقدمی شهیدانی، نخستین پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی، تهران، بنیاد تاریخ‌پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۹۶.

۲. ناصر کاتوزیان، همان، ص ۱۲۵-۱۲۳.

۳. کاتوزیان از آن دیدار روایتی دارد که هیچ کس غیر وی آن را نقل نکرده و با هیچ کدام از مبانی امام هم سازگار نیست. برای روشن شدن ابعاد تاریخی آن را نقل می‌کنیم: این قانون را خدمت امام که بردیم، ایشان در حق ما دعا کردند و گفتند همین را به رفراندوم بگذارید. من از ایشان تقاضا کردم که اجازه بدهید که نظر مردم را هم بخواهیم؛ شاید پیشنهادهایی وجود داشته باشد. ایشان فرمودند که ابتدا به قم بفرستید اگر ایراد و اشکالی نبود، همین را به رفراندوم بگذارید و اضافه کردند من دیگر خسته شده‌ام، می‌خواهم بروم قم سر تحصیلات و درس خودم و کشور باید قانون اساسی داشته باشد. آقای حبیبی هم این کار را کردند و پیش‌نویس را به قم فرستادند. ناصر کاتوزیان، گامی به سوی عدالت، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۱۳.

امام در مسیر انقلاب همواره با سالوس‌ها و ریاکارانی مواجه بودند که دم از اسلام می‌زدند ولی در بزنگاه‌های سرنوشت‌ساز از اساس مخالف اسلامی شدن نظام بودند

زیر نظر آقای سحابی مورد بررسی مجدد قرار گرفت.^۱ شورای طرح‌های انقلاب که زیر نظر دکتر یدالله سحابی اداره می‌شد در جلسات خود با حضور دکتر سامی، دکتر صحت (نماینده فروهر)، دکتر سنجابی و چند کارشناس حقوقی

دیگر، طرح نهایی آقای حبیبی را اصولاً پذیرفتند و در آن تغییراتی ایجاد نمودند. از جمله اختیارات رئیس‌جمهور را پایین آوردند و اختیارات نخست‌وزیر را بالا بردند. این پیش‌نویس به عنوان لایحه دولت رسماً به شورای انقلاب ارایه گردید.^۲ شورای انقلاب به جهت لحاظ نظرات عموم با سرعت پیش‌نویس را تصویب نمود.^۳ البته گفته می‌شود که مجدداً این متن به امام و مراجع قم نشان داده شده که در نقل‌های دیگران نیامده و بعید است امام و مراجع بعد از اعمال نشدن نظرات خود دوباره راضی به انتشار متن اولیه شده باشند. چنانچه کاتوزیان هم روایت می‌کند نخستین پیش‌نویس ناگهان با تغییر و تحریف ۱۲۰ اصل مهم (۸ و ۹ اردیبهشت) در روزنامه کیهان منتشر شد^۴ و پاره‌ای از نظرات امام در آن اعمال شده بود.^۵ دکتر سحابی مشاور نخست‌وزیر در طرح‌های انقلاب طی مصاحبه‌ای آن را متن مقدماتی قانون اساسی خواند^۶ و پیش‌نویس نهایی روز پنجشنبه ۲۴ خرداد ۵۸ در روزنامه کیهان منتشر شد. بعد از انتشار، سحابی در ۲۶ خرداد در پاسخ به خبرنگار روزنامه کیهان که پرسید: «آیا متن قانون اساسی جدید به تازگی تهیه شده است یا اینکه در گذشته متنی وجود داشته است و شما از آن اقتباس نموده‌اید؟» پاسخ می‌دهد:

مقدمه قانون اساسی وقتی که امام در فرانسه بودند در آن موقع تهیه شده بود. با آمدن امام به تهران این متن هم به تهران رسید و مورد بررسی بیشتر و احیاناً تطبیق با موارد شبیه قرار گرفت و روی این متن بود که طی دو ماه و نیم مطالعه و سپس بررسی شورای انقلاب هم انجام شد و به این صورتی

۱. کیهان، ۱۳۵۸/۶/۱۱.

۲. عزت‌الله سحابی، *ناگفته‌های انقلاب و مباحث بنیادین ملی*، تهران، گام نو، ۱۳۸۸، ص ۱۱.

۳. مصاحبه دکتر باهنر با روزنامه جمهوری اسلامی به تاریخ ۱۳/۵/۱۳۵۸.

۴. ناصر کاتوزیان، *گامی به سوی عدالت*، همان، ص ۲۱۴.

۵. روزنامه کیهان، ۸ و ۱۳۵۸/۲/۹، ش ۱۰۶۹۶ و ۱۰۶۹۵؛ پیش‌نویس رادر ۱۶۰ اصل منتشر کرد که از آن به عنوان پیش‌نویس مقدماتی نام می‌برند. (کیهان، ۱۳۵۸/۲/۹، ش ۱۰۶۹۶)

۵. سید محمد جواد ورعی، *مبانی و مستندات قانون اساسی جمهوری اسلامی به روایت قانونگذار*، قم، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۵، ص ۶۱.

۶. کیهان، ۱۳۵۸/۲/۲۲، ش ۱۰۷۰۴.



در آمد که امروز آماده توزیع و انتشار است.^۱

ادعاهایی که بعدها از سوی اعضای دولت موقت مطرح می‌شود که امام و مراجع و اعضای شورای انقلاب موافق پیش‌نویس بودند تناقضاتی دارد؛ اولاً؛ اگر متن هیچ عیب و نقصی نداشت چرا مستقیماً به فراندوم گذاشته نشد؟ ثانیاً؛ اشکالات و خلل‌های متعدد متن با موازین اسلامی آنچنان بود که خود منتشر کنندگان متن اذعان به غیر اسلامی بودن آن دارند. سنجایی می‌گوید: «پیش‌نویس منتشر شده کاملاً دموکراتیک بود.»^۲ عزت‌الله سبحانی نیز روح حاکم بر آن را «لیبرال دموکراسی» می‌شمارد.^۳ ثالثاً؛ اگر بنا بود بررسی در شورای انقلاب و هیئت دولت صورت گیرد پس چرا امام این همه تأکید بر تشکیل مجلس خبرگان داشتند یا چرا حضرات این همه اصرار بر مجلس مؤسسان داشتند.^۴

در یک تحلیل کلی پیرامون نخستین پیش‌نویس، باید آن را تلفیقی از قانون اساسی مشروطه ایران و اندیشه جمهوری خواهی غرب‌گرایانه و آمیزه‌هایی از اندیشه نوگرایانه اسلامی دانست.^۵ اما پس از انتشار پیش‌نویس، موج اعتراضات و انتقادات از پیش‌نویس در فضای کشور آغاز شد.

پرده‌برداری از یک مطالبه

در آستانه انتشار پیش‌نویس سوم (منتشر شده در ۲۴ خرداد) امام در یک مطالبه تاریخی، خواستار انتشار پیش‌نویس برای اظهار نظر عموم شدند.^۶

ایشان همچنین در همان روز (۱۳۵۸/۳/۳) بالحنی تند و تیز در سخنرانی عمومی خود نسبت به وقوع یک توطئه هشدار می‌دهند:

بیدار باشید... امروز وقت این است که ما اسلام را تقویت کنیم... تز اسلام

۱. کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۶، ش ۱۰۷۳۴.

۲. کریم سنجایی، *خاطرات سیاسی دکتر کریم سنجایی*، تهران، صدای معاصر، ۱۳۸۱، ص ۳۶۷.

۳. *چشم‌انداز ایران*، تیر و مرداد ۱۳۸۳، ش ۲۶، ص ۷۰.

۴. نایب رئیس مجلس خبرگان در پاسخ یکی از اعضای مجلس خبرگان که می‌گفت: «... قانون بر اساس رأی رهبر انقلاب و شورای انقلاب و مراجع تقلید رسیده است و تغییر یک اصل و جایگزین کردن آن در شأن این مجلس نیست»، اظهار داشت: «... به شما بگویم - بیش از هر کس من در جریان آن هستم - هیچ‌گاه در چنین مجمعی و با یک چنین فرصتی و دقتی مورد بررسی نهایی قرار نگرفته است... اگر چه کاری که تاکنون انجام شده و در خور تقدیر است بدان معنا باشد که کار تمام است، آیا این تشریفات برای چه بود؟ تشکیل این مجلس برای چه بود؟» مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، تهران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۳۷۷.

۵. محمد مهدی باباپور، پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و منازعات گفتمان‌های فقهی - سیاسی، نسخه اینترنتی WWW.FEIRAH.IR، ۱۳۸۸، ص ۳.

۶. *صحیفه امام*، ج ۶، ص ۲۶۸.

منهای روحانیت یعنی لا اسلام... من توجه شما را به این خطر، این خطر عظیم عطف می‌کنم، قشرهای مختلفی که به اسلام پشت کرده‌اند و از اول توجه نداشتند، دارند با هم جمع می‌شوند... ما نمی‌توانیم تحمل کنیم این توطئه را...^۱

تغییر مواضع امام خمینی (ره)

حضرت امام همواره در سخنان و بیانات خود به دنبال تبیین نظام جمهوری اسلامی و مرزبندی آن با نظام‌های حکومتی غربی بودند و انتظاری که از پیش‌نویس قانون اساسی داشتند توجه به اهداف تحقق اسلام واقعی در نظام جمهوری اسلامی بود.

همان‌طور که اشاره شد امام در مسیر انقلاب همواره با سالوس‌ها و ریاکارانی مواجه بودند که دم از اسلام می‌زدند ولی در بزنگاه‌های سرنوشت‌ساز از اساس مخالف اسلامی شدن نظام بودند. بازرگان حتی انقلاب اسلامی مردم ایران را ارمغان غرب می‌دانست: «ایران تجربه انقلاب را نداشت و اصلاً انقلاب یک ارمغان غرب و یک فرهنگ یا سنت بیگانه برای ایران و مسلمانان است...»^۲

امام پس از اینکه هشدارها و اخطارها را در مجریان تدوین قانون اساسی مؤثر نمی‌بینند، ابتدا در نامه‌ای خطاب به رئیس دولت موقت، عموم اشخاص و تشکل‌ها را در جریان سیر تدوین دخیل می‌کنند؛ سپس در بیانات خود خطر اسلام منهای روحانیت و تفکر لیبرالی غرب را گوشزد می‌نمایند. این نوع عملکرد امام در مسیر انقلاب بارها نسبت به افراد و جریان‌ها و حتی نزدیکان وی مشاهده شده است. باور اینکه او هر کجا مسیر را منحرف ببیند فوراً خطر را گوشزد می‌کند در سراسر حیات وی مشهود است.

ایشان پس از انتشار پیش‌نویس قانون اساسی فرمودند: «مسیر ما اسلام است، ما اسلام می‌خواهیم... آزادی و استقلال بی‌اسلام به چه دردمان می‌خورد؟»^۳ ایشان همچنین خواستار تحقق محتوای اسلامی در جمهوری اسلامی و پرهیز از الگوهای غربی برای آن شدند و فرمودند: «ما می‌خواهیم یک مملکت اسلامی درست کنیم، ما نمی‌خواهیم یک مملکت غربی درست کنیم»^۴ ایشان در رویکردی ترقی‌خواهانه از اسلام و نظام حکومتی آن می‌گویند: «اگر

۱. همان، ص ۲۷۰.

۲. مهدی بازرگان، انقلاب ایران در دو حرکت، تهران، نهضت آزادی، ۱۳۶۳، ص ۸۴.

۳. صحیفه امام، ج ۷، ص ۴۵۹.

۴. همان، ج ۸، ص ۱۹۱.





اسلام در ایران پیاده شود الگوی دموکراسی واقعی و آزادی واقعی تجسم خواهد یافت.^۱ در کنار مواضع قاطع امام در روز ۳۰ خرداد ۵۸ پس از دیدار امام خمینی و آیت‌الله گلپایگانی بیانیه بسیار مهمی صادر شد که نقش بسیار مهمی در دستور کار مجلس خبرگان ایفا نمود. در بخش‌هایی از این بیانیه آمده است:

... فلسفه تدوین قانون اساسی در کشور ما که اکثریت آن معتقد و متدین به احکام اسلام و مذهب تشیع هستند این است که بر اساس ضوابط اسلامی و بینش تشیع در تمام امور خط و مشی ثابت مملکت اعلام گردد... در واقع قانون اساسی صورت تفصیلی رأی ملت مسلمان به نظام اسلام به عنوان جمهوری اسلامی است. بدیهی است شرح و تفصیل چیزی غیر از اصل و متن آن نباید باشد... اینجانب از الان ابلاغ می‌کنم، اگر قانون اساسی به طور کامل طبق قوانین شرع مقدس نشود و مسئله اتکای حکومت به نظام امامت و ولایت فقیه در آن روشن نشود، حکومت بر اساس آن طاغوتی و ظالمانه خواهد بود...^۲

از نیت مجلس مؤسسان تا تشکیل مجلس خبرگان

از ابتدای سیر تدوین و آنچه طبق سخنان امام خمینی مرتکز در اذهان شده بود، این بود که برای تعیین و تصویب نهایی قانون اساسی باید مجلس مؤسسان تشکیل گردد. پس از تأکیدات حضرت امام در مورد تشکیل این مجلس، عواملی همچون: چگونگی انتخاب افراد واجد صلاحیت، تعداد آنان و مدت مورد نیاز برای تشکیل مجلس و مدتی که تدوین قانون اساسی در آن مجلس به طول می‌انجامد، از جمله مشکلات زمین‌گیری بود که تدوین قانون اساسی را به تعویق می‌انداخت.^۳ در آستانه انتشار پیش‌نویس نهایی باید تکلیف مجلس آینده هم مشخص می‌شد؛ از این رو، در جلسات شورای انقلاب و از آن جمله در جلسه‌ای که این شورا در تاریخ اول خرداد ۱۳۵۸ در حضور امام تشکیل داد، این بحث به طور جدی مطرح شد که آیا پیش‌نویس پس از تکمیل به آرای عمومی گذاشته شود یا مجلس مؤسسان تشکیل شده و نمایندگان مردم به تدوین قانون اساسی بپردازند. امام در این جلسه از اینکه در خصوص تهیه پیش‌نویس و برگزاری انتخابات مسامحه می‌شود، گله

۱. همان، ص ۴۱۵.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۳/۳۰.

۳. یحیی فوزی، همان، ج ۱، ص ۲۴۷.

امام از اینکه در خصوص تهیه
پیش‌نویس و برگزاری انتخابات
مسامحه می‌شود، گله می‌نمایند

نموده و اظهار داشتند: «طرح اول را بدهند، من خودم
رفراندوم می‌کنم.»^۱

در آن هنگام دو جریان فکری وجود داشت:

جریان اول با این استدلال که تشکیل مجلس مؤسسان زمان زیادی می‌برد و در صورت
نبودن قانون اساسی و وجود هرج و مرج خطرات تهدیدکننده‌ای برای انقلاب به وجود
خواهد آمد، معتقد بودند نیازی به تشکیل مجلس مؤسسان نیست و پیش‌نویس قانون
اساسی قابلیت به همه‌پرسی گذاری را دارد. این اندیشه حامیانی چون بهشتی، آیت‌الله
خامنه‌ای، هاشمی رفسنجانی، قطب‌زاده، باهنر، کتیرایی، عزت‌الله سبحانی و مهدوی‌کنی
داشت که با تأکید بر مشکلات کشور در دوره انتقال و شمار زیاد اعضای مجلس مؤسسان و
تنوع و تعارض احتمالی میان آنان که طولانی شدن فرآیند تصویب قانون اساسی را به دنبال
خواهد داشت، بر عدم ضرورت مجلس مؤسسان اصرار داشتند و معتقد بودند برگزاری
سریع رفراندوم و تصویب سریع تر ثبات کشور را به همراه خواهد داشت. در طرف مقابل
این جریان، جریانی بود که با اتکاء به شأنیت حقوقی و بین‌المللی مجلس مؤسسان، بر یکی
بودن قول و فعل امام خمینی تأکید داشت و معتقد بودند که با توجه به وعده‌های امام
خمینی، خلف وعده پسندیده نیست. این اندیشه را افرادی ملی‌گرا چون بازرگان، پدالله
سحابی، یزدی، صدر حاج سیدجوادی، صباغیان، حبیب‌الله پیمان و بنی‌صدر دنبال می‌کردند
و بر آن پای می‌فشردند.^۲

به این دلیل بسیاری از اعضای شورای انقلاب با توجه به ضرورت تسریع تدوین قانون
اساسی و تثبیت نظام سیاسی و همچنین با توجه به وجود توطئه‌ها و بحران‌های مختلف
موجود در کشور و احتمال تشدید آنها که می‌توانست ثبات انقلاب را به خطر اندازد پیشنهاد
برگزاری مجلس محدودتری از نمایندگان مردم را به جای مجلس مؤسسان برای بررسی
پیش‌نویس قانون اساسی به نام مجلس خبرگان (که مجلس محدودتری را شامل می‌شد)
ارایه کردند.^۳

۱. سید محمد جواد ورعی، همان، ص ۳۷. (صورت مذاکرات شورای انقلاب، جلسه ۱/۳/۱۳۵۸)

۲. داود علی‌بابایی، بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟ (از بازرگان تا خاتمی)، تهران، امید فردا، ۱۳۸۴،
ج ۱، ص ۲۲۹-۲۲۸؛ علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، انقلاب و پیروزی (کارنامه و خاطرات سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸)،
تهران، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۳، ص ۲۹۴.

۳. محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۸.
هاشمی رفسنجانی در خاطرات خود به این موضوع اشاره کرده است که مطرح کردن نام مجلس «خبرگان» گویا از
سوی خود طالقانی بوده است و مخالفتی هم با آن نشد. (علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، همان، ص ۲۹۵)



امام چگونه به نظر مجلس خبرگان رسید؟

بر اساس قرائن و شواهد موجود، از ۲۲ بهمن ۵۷ روند تشکیل مجلس مؤسسان به عنوان یک محور اساسی در بیانات امام دیده می‌شد. اما از ۱۹ فروردین به بعد به تدریج بر اساس پاره‌ای از ملاحظات سیاسی و اجتماعی ایران، لحن سخنان امام خمینی در مورد چگونگی برپایی مجلس مؤسسان و نمایندگان آن دچار تحول شد؛ از این رو، امام در وهله اول بیش از همه به سر و سامان گرفتن کشور و نظام اهتمام داشتند.^۱ به عنوان نمونه ایشان فرمودند: حالا اگر ما بخواهیم یک مجلسی، مجلس مؤسسائی درست کنیم... باید چراغ برداریم و بگردیم این طرف و آن طرف ببینیم که تازه یک آدمی که امین باشد، یک آدمی که ملی باشد، جهات شرقی نداشته باشد، جهات غربی نداشته باشد، خدمتگزار به اسلام باشد... پیدا بکنیم.^۲

اما در پس حوادث اولین بهار انقلاب اسلامی، امام به این نتیجه می‌رسند که به رغم مستقر شدن نظام جمهوری اسلامی، در امر به تصویب رساندن قانون اساسی سهل‌انگاری صورت می‌گیرد. از این رو، پس از نهایی شدن تصمیم تشکیل مجلسی کوچکتر با عنوان خبرگان که باز هم عده‌ای مخالف آن هستند، لحن خود را شدیدتر می‌کنند:

اگر آن مجلس مؤسسان با طول و عرض و عمق، که دو سال، سه سال، باید طول بکشد تا قانون تصویب بشود... اگر ما بخواهیم تعویق بیاندازیم و آن طوری که آنها با شیطنت طرح کردند و مع‌الأسف... باید برای اسلام فاتحه بخوانیم؛ باید برای کشور خودمان فاتحه بخوانیم.^۳

مجلس خبرگان اسلام‌شناس

امام برای رسیدن کشور به فرمول جمهوری اسلامی پس از قطع امید از سران دولت موقت و احزاب لیبرال راهکار را در ورود روحانیون و اسلام‌شناسان دیدند. اینکه اساس تفکر امام از ابتدای نهضت درباره حضور روحانیون بر مسند امورات کشور تا چه مقدار بوده است بررسی آن مجال دیگری می‌طلبد؛ امام بعد از مواجهه با پیش‌نویسی که گویا متناسب با ممالک شرق و غرب نوشته شده است راه حل پیشبرنده اهداف انقلاب اسلامی را متناسب با حضور اسلام‌شناسان می‌بیند و می‌فرماید:

۱. تاریخ انقلاب؛ قانون اساسی از پیش‌نویس تا بازنگری، مؤسسه قدر ولایت، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۳۲.

۲. صحیفه امام، ج ۶، ص ۵۱۶.

۳. همان، ج ۸، ص ۱۶۰.

اسلام‌شناس باید در اینجا دخالت داشته باشد، اسلام‌شناس روحانیون هستند و بعضی از اشخاص که در روحانیت داخل هستند ولو از صنف دیگر هستند لکن اطلاعات اسلامی-سیاسی دارند.^۱

امام همچنین از علما به صورت خاص می‌خواهند که بار این مسئولیت را در این برهه خطیر بپذیرند:

... وقتی سرنوشت اسلام در یک مجلسی باید تعیین بشود، حق علما است که بروند این سرنوشت را به دست مبارک خویش تعیین کنند.^۲

همین امر موجب شد قدرت‌های استعمارگر که اسلام را مهم‌ترین سد راه خود می‌دیدند، آن هم با عواملی چون روحانیت که همواره مدافع دین و گسترش‌دهنده مبانی اسلام و بزرگترین مانع نفوذ استعمارگران بوده و هستند، از تدوین قانون مبتنی بر اسلام جلوگیری کنند و با عوامل داخلی خود به اقدام برای توطئه‌ها و دسیسه‌های گوناگون به منظور مقابله با جمهوری اسلامی برخاستند.^۳

واکنش امام خمینی نسبت به توطئه حذف مجلس خبرگان

امام با ذکاوت و صراحت، زیر بار جوسازی‌ها و فرافکنی‌ها نمی‌رود و ضمن دعوت همه قشرها و احزاب به آرامش و دوری از تفرقه، همه را به قرار گرفتن در زیر بیرق اسلام و ایستادگی در برابر توطئه‌های دشمن دعوت می‌کند.^۴ ایشان از روحانیون می‌خواهند که در آستانه ماه مبارک رمضان به مهم‌ترین مسئله روز که تصویب قانون اساسی است و دشمنان اسلام و کشور به دنبال تعویق آن هستند، بپردازند.

... همه الان همتشان را صرف این بکنند که این قانون اساسی به تصویب برسد... زیادند اشخاصی که مخالفت می‌خواهند بکنند و عمده مخالفت‌شان هم همین است که نمی‌خواهند اسلام تحقق پیدا بکند.^۵

در نهایت این توطئه خنثی گردید و بالأخره نمایندگان مجلس خبرگان که در انتخاب عمومی برگزیده شدند کار خود را برای بررسی نهایی قانون اساسی در تاریخ ۲۷ مرداد ۱۳۵۸

۱. همان، ج ۴، ص ۴۲۴.

۲. همان، ج ۸، ص ۲۲۰.

۳. تاریخ انقلاب؛ قانون اساسی از پیش‌نویس تا بازنگری، همان، ج ۲، ص ۳۶.

۴. در این باره می‌توان به بیانات امام در صحیفه امام، ج ۸، صفحات ۱۶۰، ۱۷۱-۱۷۲، ۱۹۲-۱۹۱، ۲۳۸، ۳۸۵ و ۵۳۴ و ج ۹ صفحات ۶۶ و ۱۱۳ مراجعه شود.

۵. صحیفه امام، ج ۸، ص ۱۹۹.





بعد از شکل‌گیری مجلس خبرگان بعضی به دنبال القای این اندیشه بودند که باید در فرصتی دیگر تدوین قانون اساسی را انجام داد. از جمله کسانی که همگام با دشمنان خارجی این تفکر را دنبال می‌کردند، اعضای نهضت آزادی و دولت موقت بودند

شروع کردند.^۱ این انتخابات، هم مرزبندی‌های سیاسی را روشن کرد و هم وزن گفتمان‌های مختلف را نشان داد.^۲ برنده نسبی انتخابات هم هواخواهان گفتمان اسلام‌فاهتی بودند؛ آنچنان که ۶۹ درصد از نمایندگان از روحانیون و فقهایی بودند که از سوی ائتلاف حزب جمهوری اسلامی کاندیدا شده بودند.^۳ این پیروزی مسیر جدیدی را در سیر تدوین قانون اساسی ایجاد نمود. مسیری که بعدها سنجایی که نخستین وزیر امور خارجه انقلاب اسلامی و کابینه دولت موقت بود، در خاطرات خود از بازرگان نقل قول کرد که بزرگترین اشتباهش در دوران نخست‌وزیری این بود که پیش‌نویس نخست را به رأی عمومی نگذاشت و پافشاری کرد که مجلس مؤسسان تشکیل شود؛ مسئله‌ای که به زعم وی موقعیت روحانیون را در ساختار قانون اساسی تحکیم کرد.^۴

از توطئه تعویق تا انحلال

بعد از شکل‌گیری مجلس خبرگان و ناکامی تشکیل مجلس مؤسسان بعضی به دنبال القای این اندیشه بودند که باید در فرصتی دیگر تدوین قانون اساسی را انجام داد و بهتر است تشکیل مجلس خبرگان به تأخیر بیفتد تا اوضاع مساعد شود. از جمله کسانی که همگام با دشمنان خارجی این تفکر را دنبال می‌کردند، اعضای نهضت آزادی و دولت موقت بودند. عزت‌الله سحابی در این باره می‌گوید:

شرایط فعلی کشور بسیار حساس و خطیر است و چون ممکن است از خارج هم توطئه‌هایی علیه انقلاب صورت بگیرد، نباید به روال عادی عمل کرد، بلکه همچون الجزایر و یا پاکستان که پس از استقلال به شکل انقلابی کشور را اداره کردند و پانزده سال پس از پیروزی، قانون اساسی خود را تهیه

۱. یحیی فوزی، همان، ج ۱، ص ۲۵۴.

۲. سید محمدعلی حسینی‌زاده، اسلام سیاسی در ایران، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۸۹، ص ۲۹۲.

۳. خیرالله اسماعیلی، دولت موقت، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۹.

۴. سعید برزین، زندگی‌نامه سیاسی مهندس مهدی بازرگان، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۲۹۵.

۵. بنی صدر نیز سال‌ها بعد در پاریس گفت: کاش آن را قبول کرده بودیم. در سیاست طمع زیادی نباید کرد. اگر همین رفتارندوم را قبول کرده بودیم شاید وضع بهتر می‌شد. ابوالحسن بنی صدر، درس تجربه (خاطرات ابوالحسن بنی صدر)، برلین، انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۱۹۹-۱۹۷.

و تدوین نموده‌اند، (لذا وجهی ندارد) ما نیز عجله کنیم.^۱
 پیمان هم با استناد به انقلاب کوبا و الجزایر، و الگو قرار دادن آنها و بیان اینکه این دو کشور پس از انقلاب به تدوین قانون اساسی دست نزده‌اند، استدلال می‌کند و می‌گوید:
 ما در ایران که انقلاب با سرعت بی‌سابقه به پیروزی رسیده است و آگاهی و شعور و وجدان انقلابی در همه اقشار توسعه کامل نیافته و نیروهای ارتجاعی و وابسته به استعمار ریشه و نفوذ گسترده دارند... چگونه باید به خود اجازه دهیم که سرنوشت قانون اساسی و مکتب و انقلاب را به مجلسی بسپاریم که در همان شرایط استعمار و ارتجاعی زندگی اجتماعی انتخاب و تکمیل می‌شوند...^۲

با همه القائات و کارشکنی‌ها مجلس خبرگان کار رسمی خود را آغاز نمود و امام با کمال درایت در پیام خود به مناسبت تشکیل مجلس خبرگان با مخاطب قرار دادن علما از آنان می‌خواهد در مجلس اگر ماده‌ای از پیش نویس قانون اساسی و پیشنهادهای وارده را برخلاف اسلام دیدند، لازم است با صراحت اعلام دارند و از جنجال روزنامه‌ها و نویسندگان غرب‌زده نهراسند که مرعوب هستند.^۳

اما پس از طرح اصل ولایت فقیه در مجلس خبرگان به عنوان اصل پنجم، اوج مخالفت‌ها با قانون اساسی و مجلس خبرگان آغاز شد. بازرگان در روز بعد در مراسم ارتحال آیت‌الله طالقانی، عملکرد مجلس خبرگان در راه تهیه و تصویب قانون اساسی نهایی نظام را زیر سؤال برد و قانون اساسی در دست بررسی را منحرف خواند. وی گفت:

... (آنچه) او را در اواخر به دلایلی نگران کرده بود (مرحوم طالقانی) و نظر اولی و اصلی و وعده‌های مکرر مرجع عالیقدر انقلاب ما بوده، از آن راه منحرف بشود و توی خط‌هایی بیفتد که ذکر شد (قشری بودن، صنفی، طبقاتی بودن، سنت‌گرایی، مخالفت با هر پدیده نو)...^۴
 شهید بهشتی روز بعد در مجلس بررسی قانون اساسی متواضعانه پاسخ مهندس بازرگان را می‌دهند:

برای من و دوستانمان خیلی بیشتر اظهار نگرانی آقای مهندس بازرگان نخست‌وزیر مورد علاقه‌مان در سخنرانی دیروزشان مورد توجه بود، زیرا از سخنان ایشان نگرانی از کار مجلس خبرگان استشمام می‌شد... ایشان از

۱. عزت‌الله سبحانی، نیم‌قرن خاطره و تجربه مهندس عزت‌الله سبحانی، همان، ص ۲۴۶.

۲. امت، ۱۳۵۸/۳/۳۰، ش ۳۰.

۳. برای مشاهده متن کامل پیام رک: صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۰۸.

۴. کیهان، ۱۳۵۸/۶/۲۱.





چه چیزی نگران اند؟...^۱

مهندس بازرگان بعدها در کتاب *انقلاب ایران* در دو حرکت، عملکرد مجلس خبرگان را یکی از معضلات جامعه قلمداد می کند و در نقد اصل ولایت فقیه نوشت:

... پس از تصویب قانون اساسی در رأی گیری عمومی مورخه ۱۱ و ۱۲ آذر ۱۳۵۸ دامنه حاکمیت ولایت فقیه از حدود وظایف و اختیارات مشخص شده در اصل ۱۱۰ نیز تجاوز کرد و با تفسیر و تعمیمها و استدلال و انطباقهای فقهی که در تبلیغات انحصاری و در مناظر و محافل از طرف متولیان انقلاب و مقامات مذهبی رسمی داده می شود، ولایت فقیه در سراسر شئون دولتی و ملی گری حق تصرف یافت...^۲

عزت الله سبحانی هم می گوید: «وارد کردن اصل ولایت فقیه در قانون اساسی، از انحرافات پس از انقلاب بود.»^۳ بازرگان در جایگاه نخست وزیر دولت موقت در مصاحبه با روزنامه *کیهان* در پاسخ به سؤال درباره اصولی که تاکنون تصویب شده می گوید:

والله وقت خواندنش را نداشتیم، چون فایده ای هم نداشت، حالا بخوانیم آدم حرفش به جایی نمی رسد. آن آقایان حتی این قدر اعتنا و لطف به دولت نداشتند که یک روز صدا کنند و بگویند این چیه نوشتی... خودشان را خبره می دانستند و صاحب اطلاع و صاحب صلاحیت، خوب ما کار خودمان را کردیم و آنها کار خودشان را.^۴

سرانجام آخرین حربه برای متوقف کردن مجلس خبرگان به وقوع پیوست و آن هم طرحی بود که بعدها امام آن را توطئه نامیدند؛ طرح انحلال مجلس خبرگان به علت تجاوز زمان فعالیت آن از سی روز، که به جهت از پیش تعیین شدن زمان آن از سوی خود مجلس خبرگان و طولانی شدن زمان بررسی آن مطرح گردید.^۵ این طرح که صورت بندی شده در

۱. مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، همان، ص ۳۷۱.

۲. مهدی بازرگان، همان، ص ۱۸۳.

۳. *ایران فردا*، ۱۳۷۱، ش ۵۱.

۴. *کیهان*، ۱۳۵۸/۷/۱۵.

۵. متن مصوبه مسئله انحلال مجلس خبرگان بسیار معقول و طبیعی جلوه داده شده بود. با این استدلال که در لایحه قانونی اداره امور مجلس و نظامنامه داخلی مجلس، مدت بررسی و تنظیم قانون اساسی به پایان رسیده است و با توجه به اینکه طبق اصول و موازین شرعی و حقوقی، اگر وکالت محدود به زمان معین باشد، پس از انقضای آن وکالت زائل می گردد، بنابراین با انقضای مدت و روال وکالت، ادامه کار و فعالیت «مجلس بررسی نهایی قانون اساسی» مخالف قانون و مصوبات آن فاقد اعتبار است؛ بدین ترتیب انحلال مجلس بررسی نهایی قانون اساسی اعلام می گردد. صورت ظاهری این مصوبه چنان قانونی و شرعی جلوه داده شده بود که حتی برخی از وزرایی که از دایره همفکران بازرگان هم دور بودند نیز فریب خوردند و پای مصوبه را امضا کردند؛ اما پاسخ امام با عمق درایت بود؛ فقط یک جمله آن بس که خود شما چه سمتی دارید که بتوانید مجلس را منحل کنید؟

۶. سید محمدعلی حسینی زاده، همان، ص ۳۰۴.

امام به مناسبت تشکیل مجلس خبرگان با مخاطب قرار دادن علما از آنان می‌خواهد در مجلس اگر ماده‌ای از پیش‌نویس قانون اساسی و پیشنهادهای وارده را برخلاف اسلام دیدند، لازم است با صراحت اعلام دارند و از جنجال روزنامه‌ها و نویسندگان غرب‌زده نهراسند

جلسه‌های به تاریخ ۱۸ مهر ۱۳۵۸ و با حضور انوری، مرادنی‌ا، رضی، مقدم مراغه‌ای، سمیعی، پولادی، ابوالفتح بنی‌صدر، امیرانتظام و صدر حاج سید جوادی بود، تهیه و توسط امیرانتظام به بازرگان تحویل شد و اکثریت وزرا هم با آن موافقت نمودند^۱ اما تصمیم بر آن شد که تا امام خمینی اجازه ندهد، موضوع انتشار نیابد و از این رو فردای آن روز، بازرگان و عده‌ای از اعضای هیئت دولت به دیدن امام خمینی رفتند و طرح خود را مطرح کردند.^۲ اما امام خمینی، نه تنها آن را تأیید نکرد، بلکه با آن مخالفت نیز نمود. وی طی دیداری که با نمایندگان قشرهای مختلف مردم و عشایر داشت، طی سخنانی اظهار نمود:

در مجلس خبرگان به مجرد اینکه صحبت ولایت فقیه شد، شروع کردند به مخالفت... اینها از مجلس خبرگان می‌ترسند؛ برای اینکه مجلس خبرگان می‌خواهند ولایت فقیه را اثبات کنند... مگر شما می‌توانید که مجلس خبرگانی که ملت با آن آراء زیاد این مجلس را درست کرده با یک کلمه‌ای... بگویید... که منحل باشد.^۳

بعدها امیرانتظام از بازرگان به خاطر شجاعت نداشتن در اعلام انحلال گلایه می‌کند.^۴ وقوع نقشه انحلال، ماهیت اعضای دولت موقت و رویکرد آنان نسبت به قانون اساسی و جمهوری اسلامی را روشن نمود. رویکردی که در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ منجر به استعفا‌ی دسته‌جمعی آنان گردید. پس از آن در چهارچوب اعضای نهضت آزادی بیانیه‌ای صادر

۱. اطلاعات، ۱۳۵۹/۴/۹، ص ۱.

۲. گفتنی است به گفته امیرانتظام، چهار نفر از وزرا از امضای آن خودداری کردند که عبارت بودند از معین‌فر، چمران، ابراهیم یزدی و میناچی (خیرالله اسماعیلی، همان، ص ۱۳۳) نام خود بازرگان نه در موافقین دیده می‌شود و نه در مخالفین.

۳. اطلاعات، همان.

۴. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۱۱-۳۰۷.

۵. «متأسفانه مهندس بازرگان با همه خصوصیات عالی و قدرت فوق‌العاده در قبول شرایط سنگین فاقد جسارت کافی است. فردا بازرگان و عده‌ای از افراد هیئت دولت به دیدار امام رفتند و طرح را مطرح کردند. پرواضح بود که امام آن را رد خواهد کرد. در حالی که اگر قبلاً اعلام شده بود شانس رد کردن آن ده درصد بود...»؛ امیرعباس انتظام، آن سوی اتهام؛ محاکمات و دفاعیات امیرانتظام، تهران، نی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۶.

در اسناد لانه جاسوسی چند بار از امیرانتظام به عنوان رابط اصلی نهضت آزادی با امریکایی‌ها آمده است. او خود نیز اذعان داشته است که نقشه انحلال با همکاری سران نهضت آزادی بوده است. جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۴/۹.





کردند که فقط التزام به قانون اساسی مهم است نه اعتقاد به آن.^۱ به هر ترتیب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در ۱۲ آذرماه ۱۳۵۸ با تصویب نهایی ملت ایران در انتخابات سراسری تصویب شد و برگ زرینی در تاریخ جمهوری اسلامی ایران به وقوع پیوست.

نتیجه گیری

آنچه ملت ایران بعد از فروردوم ۱۲ فروردین ۵۸ به دنبال آن می بود، نظامی بود که پایه های آن را اسلام بدون هیچ و قید شرط تشکیل دهد؛ نظامی که بدون تمسک به الگوهای غرب و شرق به دنبال احیای عدالت و ظلم ستیزی باشد. اما پس از انقلاب با سپردن قدرت به دولت موقت، تفکر غرب زده و مرعوبانه و البته گُند، سبب شد بارها امام در بیانات خود صریحاً به دور شدن از مسیر انقلاب اسلامی و البته نظام جمهوری اسلامی که نقش آن احیای اسلام راستین می باشد هشدار دهند. اما در این میان افرادی از اعضای دولت موقت که بعدها مدعی نقش پررنگ خود در تدوین پیش نویس قانون اساسی بودند به رغم سردادن شعارهای دموکراتیک هیچ گاه به صدای مردم در فروردوم ۱۲ فروردین و انتخاب اکثریت اسلام شناس مجلس خبرگان گوش ندادند و به دنبال ایجاد مدل غربی از قانون اساسی شدند. از این رو، در صدد به تعویق انداختن و بعدها توسطه انحلال مجلس خبرگان بودند؛ در این بین ایستادگی امام خمینی و زیر بار نرفتن وی نسبت به این فرافکنی ها مسیر جدیدی در تاریخ انقلاب اسلامی ایجاد نمود که نتیجه آن تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی، خصوصاً اصل پنجم آن یعنی ولایت فقیه شد.

۱. بیانیه در روزنامه جمهوری اسلامی مورخه ۱۰/۹/۱۳۵۸ ص ۱ و ۲ به چاپ رسید.